

(مقاله پژوهشی)

مروری بر آرای دکارت و دلالت های آن در حوزه آموزش و پرورش

لیلا برزمینی^۱، وحید فلاح^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۹

چکیده

این مقاله با هدف واکاوی آرای دکارت و دلالت های آن در حوزه آموزش و پرورش صورت گرفته است. در مجموع با بهره گیری از موتورهای جستجو و سایت های اینترنتی گوگل اسکولار، سیویلیکا، مگ ایران، نورمگز، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، ایرانداک با استفاده از کلید واژه های اصلی این تحقیق شامل؛ دکارت، آرای تربیتی، آموزش و پرورش و دلالت های تربیتی بررسی های لازم صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه این پژوهش تعداد ۳۶ مقاله، کتاب و گزارش پژوهشی وارد مطالعه مروری شدند که با روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۳ مورد، گزینش نهایی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از مجموع اطلاعات بدست آمده بعد از حذف موارد تکراری و ادغام برخی موارد، یافته های ارائه شده در بخش نتایج حاصل گردید. مطالعه این منابع نشان داد که آرای تربیتی این فیلسوف و اندیشمند برجسته، تاثیر بنیادین بر تفکر و نگرش مردم جهان و داشته است و قابلیت تطبیق با اهداف و اصول تربیتی کنونی را دارند. با توجه به ضرورت استفاده از اندیشه ها و مسائل تربیتی معاصر و کهن و استفاده از آن در برنامه های عملیاتی و اجرایی مدارس، باید از تجارب ارزنده تعلیم و تربیت در سطح جهان بهره گرفت و در جهت بومی سازی اهداف و برنامه ها با توجه به اسناد بالادستی اقدامات لازم صورت گیرد.

واژگان کلیدی: دکارت، آرای تربیتی، آموزش و پرورش، شک

^۱ دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری^۲ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

(۱) مقدمه

نظام‌های تربیتی در سراسر جهان در پی بهترین راهکارها برای رسیدن به مقاصد و آرمان‌های متعالی خود می‌باشند. رویکردها و روش‌های تربیتی با توجه به تغییرات جوامع نیاز به بررسی مجدد و مطابقت با مسائل جدید روز دارند. با این وجود، سنت‌ها و دیدگاه‌های اصیل مردم مختلف دنیا، جایگاه ویژه خود را در تعلیم و تربیت حفظ نموده است. با توجه به شاخص تفاوت‌های فردی فراگیران و جو حاکم بر جامعه و همچنین فرهنگ‌های متفاوت، روش‌های ترکیبی بازخورد مناسب تری نسبت به روش‌های تک بعدی و مطلق دارند لذا ضرورت دارد با آشنایی نزدیک با آرای اندیشمندان حال و گذشته، از دستاوردها و تجارب آنان بهره‌گرفت. امروزه آشنایی هر چه بیشتر مربیان و فراگیران عرصه تعلیم و تربیت با نظرات فیلسوفان و اندیشمندان و افراد تاثیرگذار در این عرصه، استخراج آرای تربیتی آنان و کاربردی کردن جنبه‌های قوت آن، باعث پیشبرد اهداف آموزش و پرورش می‌شود.

این پژوهش به دنبال بررسی آرای تربیتی فیلسوف معروف و اثرگذار غربی؛ دکارت می‌باشد. وی به عنوان پدر فلسفه مدرن غرب و یکی از بزرگترین اندیشمندانی که به گسترش و بهبود آموزش و پرورش و رابطه عمیق آن با فلسفه کمک فراوانی کرد، شناخته می‌شود. در عصر دکارت، بسیاری از اندیشمندان به شک مطلق فلسفی پیوسته بودند و اعتقاد داشتند که در هیچ موضوعی نمی‌توان به یقین رسید. ظرفدار تاریخ اندیشی کلیسا و قدرت مطلق آن بودند ولی دکارت این نظریه را نپذیرفت و قصد داشت یقین را در فلسفه و دانش دخالت دهد. وی فلسفه و همه دانش‌های انسانی را به روشی ویژه تلفیق کرد و علوم مختلف را طوری جلوه داد که مانند ریاضیات، کاملاً یقینی باشند.

در این پژوهش، آثار و اندیشه تربیتی و روش تعلیم و تربیت مخصوص و نظامند دکارت استخراج شده است تا بتوان از نتایج آن در بهبود تعلیم و تربیت استفاده کرد.

(۲) روش تحقیق

این تحقیق از اواخر ۱۴۰۱ آغاز شده و تا نیمه اول ۱۴۰۲ ادامه داشت. یک مرور نظام‌مند است که با رجوع به سایت‌های گوگل اسکولار، سیویلیکا، مگ ایران، نورمگز، پایگاه

اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، ایرانداک و با استفاده از کلید واژه های اصلی این تحقیق شامل؛ دکارت، آرای تربیتی، آموزش و پرورش و شک بررسی های لازم انجام شد. نتایج بدست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و موارد لازم ترکیب گردید. بخشی از مقالات و گزارش های جستجو شده، فاقد شاخص های لازم برای ورود به مطالعه در این پژوهش بودند جامعه مورد مطالعه تعداد ۳۶ مقاله، کتاب، گزارش پژوهشی بررسی می باشد که به روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۴ مورد به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیار انتخاب اولیه و حذف موارد، بررسی عنوان و چکیده مقالات و عنوان کتاب ها و گزارش های پژوهشی بود که بر این اساس تعداد ۱۴ منبع مناسب برای بررسی متن کامل و مرور نظام مند وارد پژوهش حاضر شد. سپس منابع فوق، در عنوان، چکیده و متن کامل بررسی شدند. معیار انتخاب منابع در این مرحله این بود که منبع مورد نظر، به طور مستقیم در خصوص اندیشه و آرای تربیتی این فیلسوف (دکارت) مطالبی عرضه کرده باشند. پیام اصلی هر منبع استخراج و دسته بندی گردید و به صورت جدول در پژوهش حاضر آورده شده است. سعی پژوهشگر در این مطالعه، بر این است تا از منابع تازه و معتبر استفاده کند.

۳) رنه دکارت

رنه دکارت ریاضیدان، دانشمند و فیلسوف فرانسوی در ۳۱ مارس ۱۵۹۶ در یک خانواده اشرافی، در لاهه فرانسه متولد شد و در ۵۴ سالگی در سوئد از دنیا رفت. از دکارت به عنوان بنیانگذار فلسفه جدید غرب نام برده می شود، زیرا یکی از اولین کسانی است که از مکتب ارسطویی پیروی نکرد و اولین نسخه جدید دوگانگی ذهن و بدن را که از آن مشکل ذهن و بدن ناشی می شود را تدوین کرد و بر همین اساس علم جدیدی را که مبتنی بر مشاهده و آزمایش توسعه داد (اردشیر لاریجانی: ۱۴۰۰).

دکارت با استفاده از یک سیستم شک علمی (دستوری)، دانش ظاهری ناشی از قدرت، حواس و عقل را کنار گذاشت و مبانی معرفتی جدیدی را بر اساس شهود معرفی کرد. دکارت در آغاز جوانی، به ریاضیات علاقمند بود و دلیلش این بود که ریاضیات، نظامی به

طور کامل؛ یقینی دارد. درحالی‌که علوم دیگر، چنین نیستند. تفکر دکارت بیش از هر چیزی درباره فلسفه بود، زیرا فلسفه را بنیاد معرفت بشری می‌دانست و اگر فلسفه به یقین نمی‌رسید، به هیچ دانشی نمی‌شد اعتماد کرد (برومند، آیت‌اللهی: ۱۳۹۲).

در زمان دکارت بسیاری از اندیشمندان به شک مطلق فلسفی پیوسته بودند و اعتقاد داشتند که در هیچ موضوعی نمی‌توان به یقین رسید. دکارت این نظریه را نمی‌پذیرفت و قصد داشت یقین را در فلسفه و دانش دخالت دهد. به همین دلیل سعی کرد تا فلسفه و همه دانش‌های انسانی را به روشی ویژه تلفیق کند و آن را طوری بنا کند که مانند ریاضیات، کاملاً یقینی باشند.

از نظر دکارت ریاضیات، به بصیرت و یقین می‌رسد و به کمیت درآوردن هر پدیده از راه اعداد و ریاضیات، به مقابله با عدم قطعیت خواهد رسید. به این نظریه دکارت، رویای دکارتی گفته می‌شود. اهمیت وی همچنین در فیزیک و زیست‌شناسی هم می‌باشد (فیاضی، ایزدی یزدان آبادی: ۱۴۰۱).

۱-۳) اندیشه دکارت

دکارت هم خود و هم فلسفه را از تبعیت و پیروی مطلق از گذشتگان رها کنید و سعی داشت همه چیز را بازشناسی کند تا به اندیشه‌های نو و متمایز دست یابد. در این کار موفقیت‌های چشمگیری هم به دست آورد. دکارت از آموزش و پرورش دوران خود، انتقاد کرد و تفکر در خود و جهان را انتخاب نمود. او سفرهای زیادی برای کسب تجربه و آشنایی با طبقات مختلف جامعه داشت. با رسوم و عادات گوناگون آشنا شد و دلیل برای هم عقیده بودن همه مردم با هم و برتری برخی از آنان بر دیگران و افکار و عادات آنان نمی‌دید. دکارت راه خودآموزی و تفکر در خود و جهان‌شناسی را برگزید و در این راه تاکید داشت از پیشداوری و شتابزدگی بپرهیزد. با قواعد معروف شک بنیادی خود در خصوص شناخت امور، از اندیشه‌های قرون وسطا عبور کرد و نادرستی روال آموزش و پرورش عصر خود را آشکار ساخت. شک دکارت و روش قاعده مند او در واقع آغازی برای ورود به اندیشه‌های نو در تعلیم و تربیت به شمار می‌آید (عبدالکریمی، ایزد پناه: ۱۴۰۱).

فلسفه با شیوه دکارت وارد مسیری تازه شد و تقلید و پایبندی به عقاید دیگران رها گردید.

اهل کلیسا و دانشگاه در زمان دکارت بر آرای خود پافشاری داشتند و و تاکید فراوان بر موافقت همگان با افکار خود و زبان لاتین و اصطلاحات پیچیده آن می کردند. در این اندیشه پژوهش و پرداختن به حقیقت بی معنا جلوه می کرد و ارزش اهمیتی نداشت اما افرادی مانند دکارت و بیکن، با این نگرش مقابله کردند. آنان مشاهده و تجربه، اندیشه خردمندان و رهایی از قید عقاید آن زمان را روش خود قرار دادند. توجه به زبان مادری، کنار گذاشتن افکار تاریک اهل کلیسا، سنجش نظرات و افکار، انتخاب زبانی ساده و روشن و قابل فهم، تاکید بر پژوهش در امور غیر بدیهی مواردی است که اندیشه دکارت را از دیگران متمایز می کند و فاصله ای بین او و قرون سطا ایجاد می نماید. دکارت در تحول فلسفه و علم سهم قابل توجهی دارد و تاثیر زیادی بر فیلسوفان بعدی داشت به طوری که نقطه عطفی در پیشرفت اروپا و جهان محسوب می شود (میکائیلی، نمازی اصفهانی: ۱۴۰۱).

۲-۳) چهار قاعده دکارت

دکارت معتقد است که سرچشمه شناخت انسان ها عقل می باشد و روش قیاس را که روشی عقلانی است برای حقایق علمی و فلسفی پیشنهاد می کند. وی در هرگونه تحقیق و پژوهشی کاربرد ۴ قاعده یا دستور را لازم می داند که شامل بداهت، تحلیل، ترکیب و استقصاء یا شمارش امور است:

قاعده بداهت: بر اساس این قاعده فقط مسائلی را بدون دلیل و پژوهش می پذیریم که به طور کامل، بدیهی و یقینی باشند. امور غیر بدیهی را باید مورد تردید قرارداد و با تجزیه و تحلیل درست و نادرست بودن آن را ثابت کرد. این مورد در واقع همان شک دستوری یا شک متدیک است.

قاعده تحلیل: برای بررسی و شناخت مسائل غیربدیهی باید آن موارد را به اجزایشان تحلیل کرد. اجزاء یکی یکی بررسی شوند. قاعده تحلیل معروف به اتمیسم دکارتی است. قاعده ترکیب: اسن قاعده مکمل تحلیل است. ترکیب اجزای تحلیل شده در یک مشکل یا مسئله. این مورد باعث شناخت کل موضوع می شود.

قاعده استقصاء: محقق باید کوشش کند تا در جریان تحقیق علمی و فلسفی خود، به کوچک‌ترین امر نیز بی توجه نباشد. شمارش امور نام‌دیگر این قاعده است (اردشیر لاریجانی: ۱۴۰۰).

یقین کشف شده با این روش دکارت، نقطه عطف فلسفه او می باشد. بنای فلسفه دکارت، بر شک است که اثر بزرگی بر تاریخ و اندیشه غرب گذاشته است، به‌ویژه در نگرش فیلسوفان و دوران رنسانس. از مهم‌ترین چیزهایی که دکارت تلاش کرد با شک دکارتی ثابت کند، این‌ها هستند: خود یا خودآگاهی، جهان بیرون، آفریننده یا خداوند.

۳-۳) کوگیتو: من می اندیشم، پس هستم

نقطه عطف فلسفه دکارت قضیه کوگیتو است. وی آموزه‌های فلسفی خود را در کتاب گفتاری در روش و تاملات آورده است. او عقل را سرچشمه معرفت و شناخت می داند. دکارت در واقع به حقیقی بودن بدن مادی خود شک کرد. و نکته مهم این است که وی به شک کردن خود یقین داشت. زمانی که فکر می‌کرد، به آن شک می‌کرد و شک کردن خود را گونه‌ای فکر کردن می دانست. او بدون تردید به این قاعده رسید که فکر می‌کند. دکارت با این فکر کردن به بودن می رسد و می گوید من هستم. با این وصف، کسی نمی‌تواند بدون وجود داشتن فکر کند. به این ترتیب او توانست وجود خودش را اثبات کند و جمله‌ی معروف «من فکر می‌کنم (شک می‌کنم)، پس هستم.» شکل گرفت. شاید بتوان جمله کوگیتوی دکارت را نوعی «انسان معلق» ابن سینا دانست که شهود بی واسطه را معرفی می‌کند. در قضیه دکارتی، «انسان معلق» ابن سینا تکیه فکر و هستی خود را در همان نقطه اتصال فکر و هستی می‌یابد، چراکه هستی از طریق فکر به نحوی مستقیم و بدون واسطه نسبت به خود فرد حضور دارد و تفکر با آگاهی از «خود» هستی به دست می‌آورد. یکی نقد‌های وارد بر این اندیشه دکارت این است که شک در خود، در واقع منطقی نیست و همین نکته که دکارت بازگو می‌کند که من این شک را نه یک شک حقیقی بلکه یک شک دستوری می‌دانم، شاید حرف صحیحی نباشد. چراکه وقتی در چیزی که نتوان شک کرد، چطور می‌توان شک فرضی برای آن مساله تصور نمود. و بعد بر همان مساله معتقدات یقینی خود را قرار داد. به عقیده برخی، این دور باطل و مصادره به مطلوب است و امری

نابخردانه تلقی می‌گردد. و اینکه شک دکارت در همه چیز، به طور طبیعی شامل بسیاری از بدیهیات نیز می‌شود. به عنوان نمونه؛ قاعده‌ی امتناع جمع نقیضین و رفع آن را هم شامل می‌شود. در صورتی که شک در صحت این قضیه و رد نمودن آن باعث فقدان نتیجه‌گیری در مسیر دستوری و فرضی دکارت خواهد شد. یعنی دکارت می‌تواند بگوید من نمی‌اندیشم پس هستم (طباطبایی: ۱۴۰۰).

۴-۳) آرای تربیتی

دکارت در آغاز تفکر و اندیشه خود، با دو مشکل مهم مواجه است: اول، دستیابی به معرفتی یقینی؛ و بعدی، رابطه جسم و روح. سعی داشت به شیوه‌ای قاعده‌مند به پرسش‌های بزرگ خودش پاسخ بدهد. درباره روان و تن، آنان را مانند دو جوهر مستقل دانست و ذات روان را «اندیشیدن» و ذات تن و جسم را «گسترده‌گی» در نظر می‌گیرد. دکارت، حیوانات غیر انسانی را فاقد روان دانسته و فعالیت‌های آنان را نتیجه تغییرات مکانیکی معرفی می‌کند. اهمیت ویژه دکارت در تعلیم و تربیت را می‌توان ابداع و گسترش روشی جدید در چگونگی دستیابی به معرفت دانست.

روش دکارت نتایج عمیقی در تربیت دارد؛ او معتقد است که نمی‌توان دانش معتبر را بدون زدودن تمام تعصبات به دست آورد. او به پرهیز از تمام افراط و تفریط اعتقاد دارد و جایی که دستیابی به نتایج مطلق ممکن نیست، او به طور قطعی از شک و تردید و احتمال پیروی می‌کند و خود را از قید پیروی از اخلاقیات زمانش رها می‌نماید. وی غلبه بر خود را بر غلبه بر جهان مقدم می‌شمارد و در واقع نوعی طرز تفکر رواقی را از خودش به نمایش می‌گذارد (احمدی: ۱۴۰۱).

۳-۵) آثار دکارت

کتاب گفتار: نام درست کتاب گفتار در روش درست راه بردن عقل و طلب حقیقت در علوم است. در بین آثار دکارت یکی از اولین آثار مهم فلسفی جدید است و به زبان لاتین نوشته نشده است. این کتاب به زبان فرانسه نوشته شده تا همه کسانی که دارای ذهن خوبی هستند، بتوانند آثار او را بخوانند و یاد بگیرند که خودشان بتوانند فکر کنند. دکارت معتقد بود که همه می‌توانند با نور طبیعی عقل، حقیقت را از دروغ تشخیص بدهند. او در سه

مقاله همراه با کتاب گفتار در روش، روش‌های خود را برای استفاده از عقل در جستجوی حقیقت در علوم نشان داد. وی در هواشناسی رنگین کمان را توضیح داد و در هندسه، هندسه تحلیلی را ارائه داد. در کتاب گفتار در روش او همچنین تعدادی اصول اخلاقی موقت که بعدها به صورت نهایی ارائه شد، برای استفاده در حین جستجوی حقیقت ارائه کرد که عبارت از موارد زیر هستند: از آداب و رسوم و قوانین محلی اطاعت کنید. بر اساس بهترین شواهد تصمیم بگیرید و سپس محکم به آن‌ها پایبند باشید. خواسته‌ها را بیشتر از جهان تغییر دهید و همیشه به دنبال حقیقت باشید.

رساله قواعد راهنمای ذهن: این کتاب مربوط به آثار دوره جوانی دکارت است. در این اثر، برخی مبانی نظریه حقیقت و خطا را مطرح شده است. استنتاج قیاسی که اقتباسی از نظریه هندسی تحلیلی دکارت است، در این کتاب آمده است. و به نحو مبسوط به چگونگی ارتکاب خطا در مجموعه قوای آدمی پرداخته است (اردشیر لاریجانی: ۱۴۰۰).

کتاب مدیتیشن: این کتاب؛ مدیتیشن در فلسفه است که در آن وجود خدا و جاودانگی روح اثبات شده است. این اثر که به زبان لاتین نوشته شده و به اساتید یسوعی در سورین پاریس اختصاص داده شده است، شامل پاسخ‌های انتقادی به چندین اندیشمند برجسته است که توسط مرسن از فیلسوف و متکلم یانسنیست آنتوان آرنولد، توماس هابز فیلسوف انگلیسی و پیر گاسندی همچنین پاسخ‌های دکارت جمع آوری شده است. مشخصه مدیتیشن، استفاده دکارت از شک و تردید روشمند است. روشی سیستماتیک برای رد همه نوع باورهایی که تا کنون در آن‌ها فریب خورده یا ممکن است فریب خورده باشد.

اصول فلسفه: در سال ۱۶۴۴ دکارت اصول فلسفه که مجموعه‌ای از فیزیک و متافیزیک خود بود را منتشر کرد. او این اثر را به پرنسس الیزابت، دختر الیزابت استوارت ملکه مشهور بوهیمیا تقدیم کرد و در مکاتبه‌ای که با او داشت فلسفه اخلاقی خود را توسعه داد. از نظر دکارت، انسان یک اتحاد ذهن و بدن است، دو ماده کاملاً متفاوت که در غده صنوبری با هم تعامل دارند. او استدلال کرد که غده صنوبری باید نقطه وحدت باشد.

شور و شوق روح: دکارت این کتاب را به ملکه کریستینا سوئد تقدیم کرد و بیان کرد که بیشتر اعمال جسمانی توسط عوامل مادی خارجی تعیین می‌شود.

جدول ۱: بررسی تحلیلی پژوهش‌های انجام گرفته

ردیف	نویسندگان	عنوان پژوهش	شرح مختصر بر نتایج
۱	عبدالکریمی، بیژن، ایزد پناه، محمود (۱۴۰۱)	نفس در مابعد الطبیعه مذموم و ممدوح در اندیشه کانت و دکارت	در این مقاله علاوه بر رویکرد سنتی مابعد الطبیعه در دو بحث جدی کانت در مورد نفس و نظرات دکارت، چگونگی نفس به عنوان یکی از ارکان «علم فلسفه» و نظام کامل فلسفی در فلسفه نقادی کانت صورتبندی شده و برای این صورتبندی چگونه باید از نفس‌شناسی دکارتی عبور کرد.
۲	میکائیلی، محمدجواد، نمازی اصفهانی، محمود (۱۴۰۱)	بازاندیشی نسبت مسئله ذهن بدن در تقریر دکارت و فلسفه ذهن	در این مقاله به بررسی تطبیقی دو تقریر قابل توجه یعنی تقریر دکارت و تقریر شایع در فلسفه ذهن به روش تحلیلی تطبیقی پرداخته شده است. و با توضیح تفاوت‌های موجود میان آن دو، به تأییراتی که این تفاوت‌ها در نحوه پاسخ به مسیله ذهن بدن می‌گذارند، شده است.
۳	احمدی، مژگان (۱۴۰۱)	تدقیق در «می‌اندیشم هستم»؛ راهی به جانب مبانی پرسش از وجود نزد مارتین هایدگر	این پژوهش درصدد بررسی شعار محوری دکارت می‌باشد. تلاشی است در راستای فراهم آوردن امکان گفتگو با این مفهوم فلسفی یعنی امکان پاسخ به آن بر مدار وجه ضروری پرسشگری فلسفی.
۴	دانش شهرکی، حبیب‌الله، منصور، آرمین و خزایی، زهرا (۱۴۰۱)	ارزیابی انتقادی نظریه ذهنمندی حیوان از نگاه دکارت، بر اساس فلسفه صدرایی	در این مقاله بررسی شده که دکارت، حیوان را ماشینی پیچیده می‌داند که حیات ذهنی ندارد. این نظریه دکارت به «نظریه ماشینی حیوان» موسوم است. اما ملاصدرا با اعتقاد به مراتب مادی، مثالی و عقلی برای عالم، موجودات را متناسب با آن مراتب تحلیل می‌نماید.
۵	صمدیه، مریم، حسامی‌فر، عبدالرزاق (۱۴۰۱)	تصورات فطری در اندیشه دکارت و نقد آن با تکیه بر مبانی صدرایی	در این مطالعه فلسفه دکارت در خصوص جایگاه تصورات ذهن بررسی شده است. بر اساس وجود و حضور اینگونه تصورات در نفس، پیش از آنکه تجربه‌ی برای او حاصل شود، به صورت بالقوه است و ظهور و فعلیت آنها فرع بر حصول شناخت حسی است. ولی در تفسیری دیگر، بیان می‌شود که فطری بودن تصورات به این معنا نیست که آنها همواره نزد ذهن حاضر باشند.
			در این مقاله ضمن بررسی برهان «شک»

۶	فیاضی، غلامرضا، ایزدی یزدان آبادی، مصطفی (۱۴۰۱)	مقایسه برهان «هوای طلق» ابن سینا و برهان «شک» دکارت بر مجرد نفس و جواب اشکال فلاسفه ذهن به این برهان	دکارت در مورد مجرد نفس و برهان «هوای طلق» ابن سینا شباهت‌های این دو برهان، مورد بررسی قرار گرفته است. با روش تحلیلی و توصیفی به اشکالات جواب داده شده و با کمک علم حضوری اثبات کرده که نه تنها نفس غیر بدن است، بلکه موجودی مجرد از بدن محسوب می‌شود.
۷	طباطبایی، محمدتقی (۱۴۰۰)	دکارت، شک متافیزیکی و بنیادگذاری روش	در این پژوهش شک متافیزیکی برای پیوند روش علمی و متافیزیک دکارتی؛ پلی برای گذر از «من» روان‌شناختی به «من» متافیزیکی بررسی شده است؛ در واقع پیوند ضروری وجود و عقل برای دستیابی به حقیقت مورد توجه قرار گرفته است.
۸	حسامی فر، عبدالرزاق (۱۴۰۰)	نقد و بررسی کتاب تاریخ فلسفه از دکارت تا لایب نیتس	در این پژوهش کتاب فلسفه از دکارت تا لایب نیتس، که حالت تعلیمی دارد و مشتمل بر آرای مهم برخی فیلسوفان است، مورد نقد قرار گرفته است. این کتاب دارای غلط‌های صوری و محتوایی است و خطاهای صوری و محتوایی آن مورد ارزیابی قرار گرفته است.
۹	بهنیافر، مهدی (۱۴۰۰)	استنتاج بهترین تبیین در روش اصل موضوعی دکارت و پیامدهای معرفت‌شناختی آن	در این مقاله، توسعه قواعد استنتاجی در کار دکارت، و برخی ابعاد ایده مهم و دوران‌ساز او شامل جایگزینی روش به جای منطق را روشن شده است و الگویی برای جمع میان معرفت تجربی با روش اصل موضوعی ایجاد می‌شود.
۱۰	اردشیر لاریجانی، علی (۱۴۰۰)	شرحی انتقادی بر قواعد راهنمای ذهن و نظریه خطای دکارتی	در این مطالعه نگاهی جامع به نظریه دکارت در خصوص خطا و حقیقت، با تمرکز بیشتر بر قاعده ۱۲ رساله قواعد راهنمای ذهن، انجام شده است. و بر بحث بی‌کراتنگی اراده تأکید شده است.
۱۱	عابدی، مصطفی، اصغری، محمد (۱۴۰۰)	بررسی نسبت عقل و دین در اندیشه دکارت	در این پژوهش بررسی نظرات دکارت در باب ارتباط روش ریاضی با مقولات دینی بحث شده است که روش ریاضی از نظریه در حوزه ایمان کاربردی ندارد و به حوزه معرفت عقلانی محدود است. دکارت الهیات را مانند علم غیرممکن می‌داند.
۱۲	بهنیافر، مهدی، آریا، نبی	گونه شناسی شک در اندیشه	در این پژوهش خط سیر شک غزالی از شک استدلالی به شک روانی-مزاجی تغییر و شک

دکارت یعنی شک استدلالی مورد بررسی قرار گرفته است. شک غزالی به شک دینی هم مربوط شده است ولی شک دکارت در همان مرتبه فیلسوفانه باقی مانده است.	غزالی و دکارت	(۱۳۹۵)	
این مطالعه جایگاه برجسته نظام فکری دکارت در نهادینه سازی مفهوم پیشرفت در تفکر غربی را نشان می دهد.	پیوند میان اندیشه پیشرفت و تفکر فلسفی در غرب مطالعه موردی: نظام فکری دکارت	شهرآئینی، سیدمصطفی، فیروز، نسرين (۱۳۹۴)	۱۳
در این مقاله مساله شک در اندیشه دو متفکر (دکارت و بوریدان) بررسی شده است. هر دو شک را تا بالاترین مرتبه مورد پژوهش قرار دادند ولی رویکرد متفاوت در این مورد داشتند.	مقایسه شک در اندیشه دکارت و بوریدان	برومند، خشایار، آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۲)	۱۴

چنانکه از بررسی پژوهش های صورت گرفته و مورد مطالعه به دست می آید؛ آرای تربیتی و نظرات دکارت در آن زمان خاص و متفاوت می باشد. دکارت بر تردید در مورد امور تاکید دارد و روشی قاعده مند در شناخت معرفی می کند که در نوع خود در آن زمان دیدگاه تازه ای به شمار می آید. اهمیت وی بیشتر در تأثیری است که بر دیگران گذاشته و سبب عبور از افکار و عقاید قرون وسطایی و مطلق آن عصر شده است. پدر اندیشه و فلسفه مدرن غرب، شناخت حقیقت را در جریانی روشنمند و با نظم بیان می کند. اندیشیدن خردمندانه در امور و همگانی دانستن این تفکر و اعتقاد به توانایی همه در این مساله، حرف تازه دکارت در آن عصر بود. این حرکت سبب بازنگری در آموزش و پرورش و ارزیابی مجدد اندیشه ها گردید و تحولی جهانی را به ارمغان آورد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مسائل دوران زندگی دکارت و جزم اندیشی حاکم بر آن عصر، دکارت شیوه ای متفاوت ارائه داد که تحول عظیم در جهان غرب ایجاد شد. از فلسفه و اندیشه وی می توان درس های فراوانی گرفت. تغییر نگرش و مطابقت برنامه ها با شرایط حال حاضر، نیاز مهمی در اصلاحات فرهنگی و اجتماعی است و این مساله در جامعه امروز احساس می

شود. به ویژه بهره‌گیری از روش‌های اندیشمندان از جمله دکارت و با رعایت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به سمت موفقیت طرح‌های تعلیم و تربیت گام برمی‌داریم. امروزه آشنایی هر چه بیشتر مربیان و فراگیران عرصه تعلیم و تربیت با نظرات فیلسوفان و اندیشمندان کهن و معاصر و استخراج آرای تربیتی آنان و کاربردی کردن جنبه‌های قوت آن، سبب پیشبرد اهداف آموزش و پرورش می‌شود.

تعلیم و تربیت در سراسر جهان، نیازمند الگوهای تازه با تبعیت از اندیشه‌های تاثیرگذار گذشتگان و بروز رسانی آنان است. الگو برداری از پیشرفت‌های حاصل در نظام‌های تعلیم و تربیت جهانی و تطبیق آن با مدل‌های کنونی، می‌تواند کمک بزرگی برای ما محسوب شود. با توجه به تفاوت‌های فردی و تاکید بر مسوولیت افراد در قبال خود و جامعه، روش‌های ترکیبی، همواره پاسخ بهتری می‌دهد لذا ضروری است با مطالعه و استنباط از تعالیم گذشتگان و بومی‌سازی آن، در جهت رونق تعلیم و تربیت گام‌های موثری برداشته شود.

منابع

- احمدی، مژگان (۱۴۰۱) تدقیق در «می‌اندیشم هستم»؛ راهی به جانب مبانی پرسش از وجود نزد مارتین هایدگر، مجله: حکمت و فلسفه، شماره ۶۹.
- اردشیر لاریجانی، علی (۱۴۰۰) بی‌کرانگی اراده: شرحی انتقادی بر قاعده ۱۲ رساله قواعد راهنمای ذهن و نظریه خطای دکارتی، مجله: پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۹۰.
- بهنیافر، مهدی (۱۴۰۰) استنتاج بهترین تبیین در روش اصل موضوعی دکارت و پیامدهای معرفت‌شناختی آن، مجله: فلسفه علم، سال یازدهم، شماره ۱.
- برومند، خشایار، آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، مقایسه شک در اندیشه دکارت و بوریدان، مجله: غرب‌شناسی بنیادی، سال چهارم، شماره ۲.
- حسامی فر، عبدالرزاق (۱۴۰۰) نقد و بررسی کتاب تاریخ فلسفه: از دکارت تا لایب‌نیس، مجله: پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۹۹.
- دانش شهرکی، حبیب‌الله، منصوری، آرمین و خزایی، زهرا (۱۴۰۱) ارزیابی انتقادی نظریه ذهنمندی حیوان از نگاه دکارت، بر اساس فلسفه صدرایی، مجله: خردنامه صدرا، شماره ۱۰۸.
- شاکرین، حمیدرضا، حکمت مهر، محمد مهدی (۱۳۹۹) بررسی انتقادی زیرساخت‌های دکارتی تمدن غرب، مجله: قبسات، شماره ۹۷.
- شهرآئینی، سیدمصطفی، فیروز، نسرین (۱۳۹۴) پیوند میان اندیشه پیشرفت و تفکر فلسفی در غرب مطالعه موردی: نظام فکری دکارت، مجله: متافیزیک، سال هفتم، شماره ۱۹.
- صمدیه، مریم، حسامی فر، عبدالرزاق (۱۴۰۰) تصورات فطری در اندیشه دکارت و نقد آن با تکیه بر مبانی صدرایی، مجله: تاریخ فلسفه، سال دوازدهم، شماره ۱.
- طباطبایی، محمدتقی (۱۴۰۰) دکارت، شک متافیزیکی و بنیادگذاری روش، مجله: غرب‌شناسی بنیادی، سال دوازدهم، شماره ۱.
- عابدی، مصطفی، اصغری، محمد (۱۴۰۰) بررسی نسبت عقل و دین در اندیشه دکارت، مجله: جستارهای فلسفه، شماره ۲۱.

- عبدالکریمی، بیژن، ایزد پناه، محمود (۱۴۰۱) نفس در مابعد الطبیعه در اندیشه کانت و دکارت، مجله: پژوهش های هستی شناختی، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- فیاضی، غلامرضا، ایزدی یزدان آبادی، مصطفی (۱۴۰۱) مقایسه برهان «هوای طلق» ابن سینا و برهان «شک» دکارت بر مجرد نفس و جواب اشکال فلاسفه ذهن به این برهان، مجله: معرفت کلامی، شماره ۲۸.
- میکائیلی، محمدجواد، نمازی اصفهانی، محمود (۱۴۰۱) بازاندیشی نسبت مسئله ذهن بدن در تقریر دکارت و فلسفه ذهن، مجله: معرفت، شماره ۲۹۷.

A review of Descartes' views and its implications in the field of educationLeila Barzmini¹, Vahid Falah²**Abstract**

This article aims to analyze Descartes' opinions and their implications in the field of education. In general, by using search engines and internet sites Google Scholar, Civilica, Mag Iran, Normagz, Scientific Information Database of Academic Jihad (SID), Irandak using the main keywords of this research including; Descartes, educational opinions, education and educational implications were investigated. The study population of this research included 36 articles, books and research reports, which were selected and analyzed with the purposeful sampling method. The findings presented in the results section were obtained from the total information obtained after removing duplicate cases and merging some cases. The study of these sources showed that the educational opinions of this eminent philosopher and thinker had a fundamental impact on the thinking and attitude of the people of the world and have the ability to adapt to the current educational goals and principles. Considering the necessity of using contemporary and ancient educational ideas and issues and using them in operational and executive programs of schools, it is necessary to take advantage of the valuable experiences of education and training at the world level and in order to localize goals and programs according to Upstream documents, necessary actions should be taken.

Key words: Descartes, educational views, education, doubt

¹. PhD student of philosophy of education, Islamic Azad University, Sari branch.

². Assistant Professor of Philosophy of Education and Curriculum Planning, Islamic Azad University, Sari Branch